

سرانجام قوم ثمود

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ
در سرگذشت آنها درس عبرتی برای
صاحبان اندیشه بود

در شماره گذشته درباره دعوت و معجزه حضرت صالح و عدم پذیرش آن از سوی قوم ثمود و پی کردن شتر آن حضرت مطالبی تقدیم شد و اینک ادامه بحث و سرانجام آن قوم لجوج.

از آنجا که همیشه و در طول تاریخ بشر، گروهی سرکش، در برابر مصلحان و انسانهای وارسته و الهی قد علم می‌کنند و برای خنثی کردن دعوت و نفوذ آنان در مردم، از سلاح تبلیغات سوء و اتهام زدن به آنان استفاده می‌کنند، با مطالعه تاریخ زندگی انبیا و اوصیا و مصلحان جامعه به دست می‌آید که هیچ‌یک از انبیای الهی و رهبران راستین جامعه آسوده خاطر از مزاحمت متهمان نبوده‌اند از جمله آنها حضرت صالح است که پس از مدت زیادی دعوت به سوی خدا و نشان دادن معجزه پیش چشم قوم کوردل خود جز تعداد معدودی به او ایمان نیاوردند و نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه گروهی از سرکشان قومش که نفوذ معنوی آن حضرت را در جهت منافع خود نمی‌دیدند و به نوعی مزاحم منافع مادی و شوکت ظاهری خود می‌دانستند. چرا که بیدار شدن مردم همیشه به ضرر استعمارگران و استثمارگران می‌باشد، به هیچ وجه حاضر نبوده و نیستند مردم خفته بیدار

شوند. و پذیرش دعوت حضرت صالح از سوی مردم هم مسلماً با منافع استثماری آنان همخوانی نداشت لذا برای اینکه دعوت آن حضرت را خنثی کنند، توطئه‌ای چیدند تا ناقة صالح را از میان بردارند و بدینوسیله معجزه آن حضرت جلوی دید نباشد. در این راستا گروهی مأموریت یافتند تا کار شتر را یکسره کنند. و برای اینکه نیت خود را عملی سازند، باید کسانی را از راه بدر برده و اجیرشان کنند تا قصد بد خود را به اجرا در بیاورند. و چون وسیله‌ای برای تحریک مزدور لازم است. این بار از دوتا زن فاسد استفاده کردند. به قول مرحوم صدر بلاغی در کتاب قصه‌های قرآن، این بار نیز به ناز و دلبری زنان متوسل شدند.

مسعودی در این مورد می‌نویسد:

«در میان قوم ثمود دو زن زیبا به نامهای «عُنیزه» و «صدوف» وجود داشت. آن دو زن زیبا دو نفر از مردان ثمود به نامهای «قدار بن سالف» و «مصدق بن مفرج» را به کشتن شتر تشویق و با جمله (اگر ما مردانی رشید داشتیم، این امر خاتمه پیدا می‌کرد و از دست شتر صالح خلاص می‌شدیم)، تحریک کردند. قدر گفت: یا صدوف اگر ما شتر را بکشیم، سهم ما از این کار چیست؟ صدوف گفت: در این صورت من با تو از دواج می‌کنم. زن دیگر هم عین همین مطلب را خطاب به مصدع تکرار کرد. آن دو مرد گفتند: به ما شراب بدهید. آن دو شراب خوردند و مست شدند و سپس نه طایفه از آنها پشتیبانی کردند چنانکه خداوند می‌فرماید: «وكان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الأرض ولا يصلحون»^(۱): «در آن شهر نه گروه مفسد وجود داشتند که دنبال اصلاح نبودند. در هر حال قصد کشتن شتر را کردند، قدر تیری به زانوی شتر زد و همدستش تیری به زانوی دیگرش، وقتی صالح این منظره را دید، وعده عذاب الهی را به آنان داد»^(۲).

گفتنی است که اگر قرآن قاتل شتر را با صیغه جمع آورده است به این خاطر است که در اسلام رضایت باطنی به کاری، به منزله شرکت خود شخص در آن کار محسوب

می‌شود و اینجا هم مشخص است که این توطئه جنبه شخصی نداشته است آن یک یا دو نفر به پشت‌گرمی جمع‌زیادی از آنان این عمل زشت را انجام دادند چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَأَمَّا عَقْر نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لِمَا عَمُّوهُ بِالرِّضَا». «ناقه ثمود را یک نفر از پای درآورد، اما خداوند همه آنها را مجازات کرد چراکه همه به آن کار راضی بودند»^(۱).

همچنین احادیث دیگری که در این زمینه، در وسائل الشیعه وارد شده است، این معنی را تأیید می‌کند.

آیا تنها به کشتن شتر اکتفا کردند؟

از آنجا که خوی استکباری ایجاب می‌کند، همیشه در این صدد بوده و هستند که سلاح معنوی و منطق قوی رهبران راستین جامعه را خنثی کنند و سپس شخصیت حقیقی و فیزیکی آنها را هم از

هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از خواری آن روز رهایی بخشیدیم، چرا که پروردگارت قوی و شکست‌ناپذیر است.

میان بردارند چنانکه در عصر ما نیز برای اینکه مردم، بالاخص جوانان را از اسلام و قرآن و اهل بیت دور نگه دارند و دین‌گریزی جوانان را رواج دهند، پیوسته سعی می‌کنند رهبران اسلام، و مسلمانان را به خشونت، و مخالفت با حقوق بشر، و آزادی و امثال اینها متهم کنند و منطق آنها را خنثی سازند. که یکی از نمونه‌های بارز و آشکار آن توطئه‌هایی است که به صورت‌های گوناگون در عراق و سایر کشورهای اسلامی می‌چینند تا مردم را از روح اسلام تهی کنند و سپس بر همه مسلمانان مسلط شوند.

گروهی از قوم ثمود هم چنین برنامه‌ای را اجرا کردند. پس از کشتن شتر حضرت صالح و وعده عذاب الهی از سوی آن حضرت و اینکه پس از سه روز گرفتار عذاب دردناک خداوندی خواهید شد، و روز اول رنگشان زرد و روز دوم قرمز و روز سوم سیاه شده و سپس عذاب دردناک آنان را از بین خواهد برد، آن‌ته گروه فاسد تصمیم گرفتند حضرت را بکشند و به خیال خام خود گفتند: اگر صالح راست گفته باشد و قرار باشد ما کشته شویم، پس ما او را پیشاپیش بکشیم، و اگر دروغ بگوید، و عذاب نازل نشود، باز هم به مقصود خود رسیده‌ایم، چرا که مزاحم خود را از میان برداشته و او را به شترش ملحق کرده و برای همیشه از دستش راحت خواهیم شد. و با این قصد، شبانه آمدند تا او را بکشند، اما بر اساس «و مَكْرُوا و مَكْرَاللَّهِ...» ملائکه بین او و آنها حائل شدند و آنان را سنگ‌باران کردند و مانع کشتن آن حضرت شدند ولی وقتی صبح شد، دیدند رنگشان زرد شده است، آنجا بود که یقین به درستی وعده عذاب آن حضرت پیدا کردند و حضرت صالح هم از میان آن قوم نفرین شده خارج شد و در شهر رمله از شهرهای فلسطین ساکن شد^(۱).

بدینوسیله زندگی نکبت‌بار آنها درهم پیچیده شد و خداوند بر اساس وعده‌ای که درباره نجات پیامبران و نیکان داده است، حضرت صالح و پیروان او را رهایی بخشید چنانکه می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مَنْ خَزَىٰ يَوْمَئِذٍ أَن رَّبِّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»^(۲). «هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از خواری آن روز رهایی بخشیدیم، چرا که پروردگارت قوی و شکست‌ناپذیر است».

چگونگی و علت عذاب ثمود

چنانکه پیش از این هم گفته شده، عذابهای الهی همیشه متناسب با کارهای زشت

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷.

۲. هود: ۶۶.

اقوام و اشخاص فاسد و کافر بوده است اما عذاب و غضب آفریننده جهان در مورد قوم ثمود را از خود قرآن می‌خوانیم که طی چندین آیه در سوره‌های مختلف بیان شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جاثِمِينَ»^(۱): «سرانجام، زمین‌لرزه، آنها را فروگرفت، و صبحگاهان (تنها) جسم بی‌جانشان در خانه‌هایشان باقی مانده بود».

«وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جاثِمِينَ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ أَكْفَرُوا بِرَبِّهِمْ إِلَّا بَعْدَ لَثْمٍ»^(۲):

«کسانی که ستم کرده بودند، خروش (آسمانی) آنها را فراگرفت و بر اثر آن در خانه‌های خود به روی افتادند و مردند، آن چنانکه گویی هرگز در آن سکونت نگزیده بودند، بدانید قوم ثمود پروردگارشان را انکار کردند. دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)».

«وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذْتَهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^(۳): «اما ثمود را هدایت کردیم ولی آنها نایبانی را بر هدایت ترجیح دادند، به همین جهت صاعقه - آن عذاب خوارکننده - به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، آنها را فروگرفت».

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَحِيحَةً وَاحِدَةً

پیام آیتی که در مورد قوم ثمود نازل شده، این است که خداوند متعال نسبت به تمام ستمگران و مفسدان جامعه بشری هشدار می‌دهد که کسانی که کفر بورزند و پیامبران را تکذیب نمایند و پیوسته در صدد از هم پاشیدن جوامع الهی و دینی باشند، بدانند سرنوشتی بهتر از امتهای ملت‌های فاسد و کافر پیشین از جمله قوم ثمود نخواهند داشت گرچه در اوج قدرت و امکانات مادی سیاسی و نظامی و اقتصادی باشند

۲. هود: ۶۷ و ۶۸.

۱. سوره اعراف، آیه ۷۸.

۳. فصلت: ۱۷.

فکانوا کھشیم المحتظر»^(۱) «ما فقط یک صیحه (=صاعقه عظیم) بر آنها فرستادیم و به دنبال آن همگی به صورت گیاه خشکی درآمدند که صاحبان چهارپایان (در آغل) جمع آوری می کنند!».

پیام آیاتی که در مورد قوم ثمود نازل شده، این است که خداوند متعال نسبت به تمام ستمگران و مفسدان جامعه بشری هشدار می دهد که کسانی که کفر بورزند و پیامبران را تکذیب نمایند و پیوسته در صدد از هم پاشیدن جوامع الهی و دینی باشند، بدانند سرنوشتی بهتر از امتهای فاسد و کافر پیشین از جمله قوم ثمود نخواهند داشت گرچه در اوج قدرت و امکانات مادی سیاسی و نظامی و اقتصادی باشند چنانکه قوم ثمود با آنهمه امکانات مادی و خانه های محکم که از سنگها ساخته شده بود، با یک صاعقه یا یک زمین لرزه در یک آن، به دیار نیستی شتافتند و امروز از آنها جز چیزهای اندکی، اثری باقی نمانده است.

به نوشته مرحوم طبرسی به روایت از جابر بن عبدالله انصاری (ره) روزی که پیامبر در جنگ تبوک به شهر حجر رسید، خطبه ای خواند و ضمن آن فرمود:

«اینقدر از پیامبرتان سنوالات بی مورد نکنید و دنبال آیه و معجزه نباشید، اینجا محل زندگی قوم صالح و این آبی است که نایقه صالح از آن می خورد و او را پی کردند، قوم صالح که پیامبر خود را تکذیب کردند و او سه روز به آنان مهلت داد (تمتعوا فی دارکم ثلاثة ایام) و گفت: این وعده حق خداست و دروغی در آن نیست، پس از سه روز صیحه آسمانی آمد و هرچه داشتند نابود کرد بجز مردی که در حرم امن الهی بود و آن مرد به احترام خانه خدا در امان ماند و او مردی به نام «ابوقتیف» بود.^(۲)

مجازات به چه وسیله ای بوده است؟

در جریان مجازات و نابودی قوم ثمود، در مورد وسیله ای که خداوند توسط آن

۱. قمر: ۳۱.

۲. مجمع البیان، ذیل آیه ۶۶ سوره هود.

عذاب خود را نازل کرده، نکاتی بیان شده است و آن این که بعضیها معتقدند با زلزله، بعضیها گفته اند با صاعقه و یا صیحه آسمانی از بین رفتند چرا که در بعضی از آیات مثل آیه ۷۸ سوره اعراف که می فرماید: «یا زمین لرزه» از بین رفتند. در آیات دیگری می فرماید: «یا صاعقه» نابود شدند مثل آیه ۶۷ و ۶۸ سوره هود و آیه ۳۱ قمر.

و در تفسیر نمونه می خوانیم: «از تعبیر «جامین» استفاده می شود که صیحه آسمانی باعث مرگ آنها شد ولی اجساد بی جانیشان به روی زمین افتاده بود، اما از پاره ای از روایات استفاده می شود که آتش صاعقه آنها را سوزاند. البته این دو باهم منافاتی ندارند زیرا اثر وحشتناک صدای صاعقه فوراً آشکار می شود درحالی که آثار سوختگی آن مخصوصاً برای کسانی که در درون عمارتها بوده باشند، بعداً ظاهر می گردد.^(۱) و این امر تقریباً عادی و طبیعی است چرا که اولاً: بعضی از اقوام گذشته نیز به وسیله صاعقه از بین رفته اند مانند قوم لوط^(۲) و قوم شعیب^(۳). ثانیاً: می دانیم امواج صوتی اگر بیش از حد معینی باشد، می تواند شیشه ها را بشکند و گاهی پرده گوش اشخاص را پاره کند و عمارتها را ویران کند چنانکه در جنگ تحمیلی صدآمی که گاهی هواپیماها دیوار صوتی را می شکستند، شیشه ها می شکست و ایجاد رعب و وحشت می کرد و ای بسا به مرگ بعضیها منجر می شد. به هر حال خداوند متعال با هر وسیله (ولو بی اهمیت و کوچک) می تواند قومی را مجازات کرده و از میان بردارد.

اما نکته ای که مهم تر از نکته اول است، این است که خداوند متعال با رحمت بی پایان خود همیشه مؤمنان را پیش از نزول عذاب از مهلکه خارج می کند (البته جایی که جنبه مجازات الهی داشته باشد). گرچه ممکن است در حوادثی که جنبه مجازات الهی ندارد، تر و خشک در سیل و زلزله و بیماریها از بین بروند. وگرنه محال است حتی بین میلیونها انسان خداوند کسی را بی گناه دچار بلا سازد.

۱. ج ۹، ص ۱۶۵.

۲. سوره حجر، آیه ۷۳.

۳. سوره هود، آیه ۹۴.